

واکاوی آسیب‌ها و محدودیت‌های اشعار عاشورایی، حسینی در بستر جامعه و ادبیات

دکتر مهدی صادقی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

چکیده

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف آسیب‌شناسی شعر عاشورایی به بررسی محدودیت‌های اشعار آیینی در دو محور جامعه و ادبیات پرداخته است. شاعران عاشورایی همواره از طریق سرودن اشعار و بیان آن در محافل و مجالس عزاداری عاشورا، نقش مؤثری در جذب مردم به فرهنگ عاشورا دارند. شعر عاشورایی با فرهنگ دینی و مذهب ارتباط دارد؛ به همین جهت در هنر کلامی این نوع شعر گویا «چگونه گفتن» را نباید از «چه گفتن» متمایز کرد. این پژوهش نشان می‌دهد که شعر عاشورایی باید خالی از غلو، عدم توجه بیش از حد به شعر ماتی و نظایر آن باشد. سادگی و ایجاز همراه با فصاحت کلام، کار خطیری است که هر شاعر آیینی-عاشورایی باید آن را در نظر داشته باشد تا فلسفه عاشورایی در بستر جامعه و ادبیات در گام متعالی قدم بردارد. البته سهل بودن این نوع شعر نباید ما را از ممتنع بودن آن غافل کند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی عزاداری، شعر عاشورایی، فرهنگ عاشورایی.

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران. mahdisadeghi2121@yahoo.com

تشیع تا قبل از دوره صفوی تشیع علوی و علی‌گونه بوده اما بعد از صفوی با رسمی شدن این مذهب برای دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی، هویت آن تغییر یافته است لذا بیشتر نمودهای عاشورا برگرفته از فرهنگ غرب و مسیحیت است (شریعتی، ۱۳۸۱: ۲۳). در طول تاریخ تحریف‌هایی در انگیزه‌ها و اهداف و چهره‌های حماسه‌ساز و برنامه‌های مربوط به عاشورا انجام شده است این تحریف‌ها که متاسفانه در شعر معاصر نیز کمابیش دیده می‌شود، ناشی از برخورد سطحی و عامیانه در این رویداد عظیم، برخورد عاطفی و احساسی با مسلمات تاریخی است (مطهری، ۱۳۷۸: ۸۷). متاسفانه عده‌ای جوهر و گوهر مراسم محرم را از یاد می‌برند و اموری را به عنوان غایت و مقصود در نظر می‌گیرند که هدف این نهضت مبارک و مقدس را تنزل می‌دهد و از بازدهی و سازندگی آن می‌کاهند (گلی‌زواره، ۱۳۸۵: ۱۵). نکته بسیار مهم این است که این اطلاعات ناقص و بعضاً تحریف شده، اینچنین حرکت‌های بزرگی را در نهضت‌های شیعی، سازماندهی کرده است. لذا «در همه آن مانده‌هایی هم که به نام دین و فرهنگ و تاریخ و ادبیات و هنر به خوردمان می‌دهند باید تجدیدنظر کنیم که همه مسموم است و باید از زندگی و آسایش و آینده و امکانات مان مایه بگذاریم» (شریعتی، ۱۳۵۱: ۳۵۱).

با توجه به اینکه ماهیت شعر خاصیت جذب مخاطب دارد و از طرفی شعر عاشورایی با فرهنگ ملی، دین و مذهب در ارتباط است، لذا ضرورت دارد تا این نوع شعر موشکافی شود و با تیزبینی مورد کنکاش قرار گیرد. با توجه به این مهم پژوهش حاضر درصدد آسیب‌شناسی این دسته از اشعار است تا سره از ناسره مشخص شود و بستری برای رشد و تعالی شعر عاشورایی - حسینی فراهم شود.

پیشینه پژوهش

در باب شعر عاشورایی کتاب و مقالات بسیاری نوشته شده است که جای مقال آن در این گزیده نیست و به برخی از پژوهش‌های اصلی اشاراتی می‌شود. در پایان‌نامه دکتری مهدی صادقی (۱۳۹۹ش) با عنوان «تحلیل محتوایی و زیبایی‌شناسی اشعار



عاشورایی شهر یزد در دوره پس از انقلاب» به بررسی انواع اشعار عاشورایی و دسته‌بندی و تناسب بافت شهر یزد با آهنگ و ملودی نوحه‌ها بیان شده‌است. مقاله‌ای از صادقی و دیگران (۱۳۹۹ش) با عنوان «زیبایی آواز و دستگاه موسیقی در اشعار عاشورایی یزد در قالب نوحه» به ارتباط این دو مؤلفه و اوزان اشعار عاشورایی پرداخته‌است. در مقاله‌ای دیگر از صادقی و دیگران (۱۴۰۰ش) با عنوان «مضامین تعلیمی در اشعار عاشورایی یزد» که به تحلیل مفاهیم ادبیات تعلیمی در ادبیات آیینی این دیار پرداخته و بسامد این مفاهیم به تصویر کشیده‌است. نجفی، طغیانی و خراسانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «هماهنگی وزن و محتوا در نوحه‌ها و مرثیه‌های یغمای جندقی» به میزان هماهنگی درونمایه و محور به کار رفته در نوحه‌ها و مرثیه‌های این شاعر پرداخته‌اند.

بحث

واقعه عاشورا در همه جا به‌ویژه در اشعار عاشورا خمیرمایه همه مجالس است، لذا بایسته است مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. هم به ظواهر واقعه پرداخته شود و هم باطن ماجرا معلوم شود. از طرفی سوای از تأثیرگذاری اشعار عاشورایی-حسینی در جامعه، در بستر ادبیات نیز این نوع آسیب‌ها سرایت می‌کند. «شعر عاشورا یا به طور کلی شعر آیینی، توصیف ناشناخته‌هاست. نگاه از سر تقدیس به شخصیت‌ها، موضع و حتی مکان‌های وقوع حادثه سبب می‌شود تا شاعر چندان که باید نتواند مهار شعر را به دست خیال و وهم بسپارد؛ چرا که اندک لغزشی در اغراق، او را از محدوده شریعت دور می‌سازد» (کافی، ۱۳۸۶: ۳۵). اما اینکه این غلو بیشتر در کجاها دیده شده‌است؟ مجاهدی (۱۳۷۹: ۳۰۵) پاسخ می‌دهد: «آنجا که به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با حضرت امیرالمومنین یا مولایمان امام حسین علیه السلام نسبت الوهیت می‌دهند. در واقع ائمه هم مانند ما مخلوق‌اند و نباید آنها را به جای خدا گرفت. نه تنها خدا از این کار خوشش نمی‌آید بلکه همین بندگان معصوم خدا هم ناراحت خواهند شد». علاوه بر اینها شاعر عاشورایی باید خلوص نیت و ایمان داشته باشد. اگر شاعری برای تملق و برای رسیدن به شهرت در این عرصه گام می‌گذارد همان بهتر که شعر عاشورایی نسراید. این شاعران به جایی

نمی‌رسند و کمتر در محافل رسمی آنها را جدی می‌گیرند:

باز گوشم بر نوای نینواست باز از سر بر سرنی بس نواست
 نینوا پر نغمهٔ زیر و بم است نفخ صور عشق بی بیش و کم است
 نی دمی از سر حکایت می‌کند سر زنی یکسر شکایت می‌کند
 یک نیستان ناله و بانگ و نفیر صد قفس فریاد و آواز و صفیر
 در قفس افسانه برگشتن است در نیستان شور بی سرگشتن است
 جز جدایی در دو عالم درد نیست زوج آن عشق است و در هر فرد نیست
 (الهام بخش و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۳)

در اشعار عاشورا نباید حضرت سیدالشهداء علیه السلام را چنان بالا برد که گویی شخصیت شان دست نیافتنی است. همان طور که ورود به آستان مقدس ائمه آدابی دارد و باید با غسل یا وضو وارد آرامگاه آنان شد، در مقابل هم نباید ائمه را چنان بالا برد که شخصیت الوهیت پیدا کنند. چرا که ائمه انسان‌هایی بودند که با اراده خود به این درجات رسیده‌اند. شاعر عاشورایی باید دل مشغولی عاشورا داشته باشد و حادثه عاشورا را با پوست و گوشت خود حس کند و قدرت تحلیل آن را نیز در وجود خود جستجو کند.

شش گوشه مرقدت که پا برجا شد دریا و زمین و آسمان پیدا شد
 پیدایش آدم از همان اول هم بی شک ز تصدق سر مولا شد

(باغ ارغوان، ۱۳۸۴: ۴۰)

غلو در شعر عاشورا

«آنان که تصور می‌کنند با دروغ‌پردازی و افسانه‌پردازی می‌توان به هیأت‌های حسینی رونق بخشید و به خدا نزدیک شد، سخت در اشتباه و خطا هستند» (نوری، ۱۳۷۵: ۱۵۶). در شعر عاشورایی سه نوع غلو وجود دارد: برخی مبالغه‌ها در شعر عاشورایی منجر به تفاوت قائل شدن بین معصومین می‌شود. مثلاً در برخی از شعرها مقام حضرت ابوالفضل علیه السلام از مقام امام حسین علیه السلام بالاتر برده می‌شود یا به گونه‌ای سخن گفته می‌شود که گویی هیچ یک از دیگر معصومین شیعه به پای امام حسین علیه السلام نمی‌رسند که این قیاس درستی نیست. در نوع دوم غلو درجه و اعتبار معصومین را تا حد الوهیت بالا

می‌برند در حالی که تمام ادیان توحیدی مردم را به یکتاپرستی دعوت می‌کنند. رساندن ائمه به الوهیت کار نادرست و یکی از غلوه‌های خطرناک به حساب می‌آید. غلو در شعر عاشورایی خلاف واقع است. نباید نکته‌ای از زبان سیدالشهداء علیه السلام گفته شود که با شخصیت آن بزرگوار مغایرت داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۱۴۷). ملت ما در عزاداری‌ها، «احساس عاشورایی» دارند و هیچ فلسفه و فلسفه‌بافی جای آن را نمی‌گیرد. اگر «احساس عاشورایی» همراه با «معرفت عاشورایی» نباشد، این عزاداری‌ها انسان را ذره‌ای هم به امام حسین علیه السلام نزدیک نمی‌کند. شعرهای عزاداری باید بیانگر درس و پیام باشد و در راه اصلاح جامعه و ریشه‌کن کردن فساد در کشورهای اسلامی پیشروی کند. «دین، احساس اشتراک و وحدت اجتماعی را برمی‌انگیزد و مناسک، اشتراک اجتماعی را تحکیم می‌کند» (همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۷۰). شعر آیینی به ویژه شعر عاشورایی باید معرفت شنونده و خواننده را نسبت به ائمه بیفزاید. بیشتر شاعران بعد مرثیه‌سرایی را چنان بیان می‌کنند تا به هر نحوی که می‌توانند اشک بگیرند در صورتی که حضرت سیدالشهداء علیه السلام شب پیش از واقعه عاشورا به اهل بیتش فرمود: «هنگام کشته شدن من بلند گریه نکنید، پیراهن چاک ندهید و اگر دشمن نزد شما آمد زیوراتان را به زمین بریزید تا هر چه می‌خواهد بردارد و برود (سیدبن طاووس، ۱۳۸۵: ۱۰۲/۱).

جدایی دین از سیاست

«برخی می‌خواهند چنین وانمود کنند که آنها ولایتی تر از مسئولان نظامند و در مجالس عزاداری گریه می‌کنند و ادعا دارند که کاری به سیاست ندارند» (خاتمی، ۱۳۸۵: ۲۳). عاشورا و عزاداری، بیان تفسیر شیعی اسلام است و باید دانست که «سعادت و کمال انسان و جوامع، در گرو اطاعت از قوانین الهی است» (خمینی، ۱۳۷۹: ۱۶۶). به همین جهت عالی‌ترین و والاترین هدف شیعه در کلام اهل بیت علیهم السلام، تبلیغ ولایت‌شان و احیای امر اهل بیت علیهم السلام است. احیای این امر با پیاده کردن حکومت آنها انجام می‌شود. بایسته است شاعران عاشوایی سخنان و کلام خود را جدای از حکومت ندانند زیرا علت واقعه عاشورا به واسطه تشکیل یک حکومت بیداد و ستمکارانه بود و «تشیع برای خود، جهان‌بینی، بنیاد ایدئولوژیک، فلسفه تاریخ، رسالت، دستورکار، پایگاه

طبقاتی، راهبرد سیاسی، نظام رهبری، سنت مبارزه حزبی و سازماندهی دارد که همه از تاریخ آغازین امامان شیعه ریشه گرفته و با کوشش‌های بی‌دریغ عالمان، شاعران و... حفظ شده است» (قیصری، ۱۳۸۳: ۱۶۸). برخی از این شاخصه‌ها که رعایت آنها اکیداً توصیه می‌شود و از الزامات شعر عاشورایی است، در شمار بایدها و برخی دیگر که وجهه پرهیزی دارند، در زمره نبایدها مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این رو «شعر و شاعری نباید باعث وهن موضوع شود و به جای شعر تأثیرگذار که عواطف و اندیشه مخاطبان را با آنها درگیر کند، کاریکاتوری از واقعه عاشورا به شنوندگان ارائه دهد. شعر آیینی قواعد خاص خودش را دارد» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۳۳). نبایدهای شعر عاشورایی در حکم خط قرمز است که شاعر با آنها روبه‌روست، این موارد عبارتند از: ۱- عدم اهتمام و سوسه‌انگیز به آرایه‌های ادبی: توجه بیش از حد برخی از شاعران جوان به آرایه‌های شعری سبب غفلت آنان از مفهوم شده و شعر آنان را به تدریج به سمت بیهوده‌گویی می‌رانند. ۲- عدم کلی‌گویی در شعر عاشورایی و پرداختن به روایت جزء به جزء، پرهیز از تصویرپردازی شنیده‌ها و تکرار مکررات، پرهیز از ترکیبات کلیشه‌ای و صفات غلوآمیز، پرهیز از القای مستقیم و بی‌واسطه رسالت و پیام عاشورا، جلوگیری از تقلید و گرت‌برداری و مطابقت با مقاتل تاریخی، پرهیز گذشته‌گرایی و تنفس در فضای دیروز شعر عاشورا و بازآفرینی نمادهای تاریخی. ۳- بی‌تفاوت نبودن در برابر ترفندهایی که به انحراف مسیر فکری جامعه می‌انجامد، عدم استفاده از واژه‌های مهجور و سخیف و غیرکارآمد. ۴- عدم تکیه محض بر سوگ و گریه و بیان واقعه با واقعیت، عدم نسبت این حادثه به فلک و روزگار و پرهیز از وزن شاد و ریتمیک. ۵- عدم توجه به ملودی محض و معرفی امام حسین علیه السلام و فلسفه او. ۶- جایگزین نکردن نماد تاریخی در شخصیت‌های عاشورایی.

امروز با دلی پریشان	آمد کنار تربت شهیدان
گفتا به دیده تر	ای نازنین برادر
اکنون رسیده زینب از اسارت	تا قبر پاکت را کند زیارت
یک اربعین دوری و داغ هجران	در این سفر من بوده‌ام کنارت
رأست مقابلم بود	چراغ محلم بود

خیز و بین لیلای مکدر خود را فکنده روی قبر
دارد به لب رباب مو پریشان ذکر حسین حسین و اصغر اصغر

(ابویی، ۱۳۹۳: ۱۵۰)

دقت و پژوهش در آسیب‌ها و انحرافات که در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام به وجود آمده است، فرد را به این برداشت می‌رساند که جریانی وجود دارد و این انحرافات را هدایت می‌کند. هدف آن نیز کم کردن تأثیرگذاری محافل مذهبی است. «اسلام با تشیع و تشیع با عاشورا زنده مانده است و خواهد ماند و تأثیر عاشورا بر تداوم تشیع و تکامل فرهنگی و اجتماعی آن بر کسی پوشیده نیست؛ این تأثیر تا آنجاست که اگر گفته شود: عاشورا، شهادت، کربلا، حسین و زینب بیشترین کلماتی که در قاموس تشیع به کار رفته است، مبالغه نخواهد بود» (صحتی، ۱۳۹۴: ۱۲). رواج افراطی‌گری مداحی و روی آوردن مداحان به سرایش اشعار، از نکات منفی شعر عاشورایی در عصر انقلاب است که به شدت اشعار عاشورایی را تهدید می‌کند. باید به همین میزان از خطرات زیاده‌گویی، افراط و تحریف‌هایی که شعر عاشورایی را تهدید می‌کند، نگران بود. مطهری (۱۳۶۸: ۳۴) معتقد است: «به طور قطع و یقین در این حادثه بسیار بزرگ تاریخی تدریجاً تحریفاتی در طول زمان پیدا شده است. بدون شک در اینجا وظیفه‌ای هست که باید با این تحریفات مبارزه کرد». برای گسترش فرهنگ عاشورا در نسل جوان، اولین قدم شناخت فرهنگ اصیل عاشوراست که در این مسیر نوحه‌ها و اشعار عاشورایی اولین پل این جاده هستند زیرا «امام حسین علیه‌السلام مکتب عملی اسلام را تأسیس کرد» (همان، ۱۴).

آغاز سال و فصل بهار و مه عزاست
هر لاله را نوای غم‌انگیز نینواست
بر هر گلی که می‌نگری روی شاخه‌ها

گویی سری بریده به بالای نیزه‌هاست

هر بلبل‌ی که پای گلی ناله می‌زند

گویی که خواهری به لبش بانگ یا اخاست

هر غنچه‌ای که تازه شکفته است در بهار
 لبخند اصغراست که جان سوز و دل رباست
 هر برگ گل حکایت زخمی به روی زخم
 هریاس سرخ چیده سری از بدن جداست
 نیلوفری که بر زیر شاخه رسته است
 گویی که روی نیلی ناموس کبریاست
 هر باغ محفل غم و هر گل سرشک سرخ
 تبریک ماست تسلیت وعید ما عزاست
 باران که می‌چکد به رخ گل نظاره کن
 گویی که سنگ خصم و سر دخت مرتضاست
 هر سال بود بر سر هر سفره هفت سین
 امسال هم به سفره ما هفت سین بجاست
 هر سال هفت سین سخن از سیب و سبزه بود
 امسال هفت سین شهیدان کربلاست
 سرخی خون و سوز عطش، سینه، سم اسب
 سنگ جفا، سرشهاد، سیلی جفاست
 تبریک در شهادت فرزندان فاطمه
 زخمی به سینه علی و قلب مصطفاست
 آن راکه هست چشم شفاعت به فاطمه
 چشمش به جای لاله به گودال قتلگاست
 (سازگار، ۱۳۸۵: ۱۳)



توجه بیش از حد به اشعار سوگوارانه

سوگواری برای افراد از دست رفته با صبر بر مصائب منافاتی ندارد و گریستن امری

غریزی بوده و نمایانگر حالات عاطفی و دلسوزی در نهاد انسان هاست، البته تا زمانی که عزاداری حاوی حالاتی نباشد که از جزع و فزع و بی‌تابی حکایت کند (گلی‌زواره، ۱۳۸۵: ۲۳). امروزه که دشمن با تکنولوژی ماهواره و با قلم، درصدد ضربه زدن به نظام اسلامی و مسلمانان است، باید دشمن و دشمنی را شناسایی کرد و از کیان اسلام دفاع نمود» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱: ۲۳۵). لذا در مراسم عاشورا نباید فقط صورتی از سوگ و مصیبت تکرار شود چرا که عاشورا حرکتی برای نفی ظلم و اجرای عدالت است و اجرای همین امر، سرنوشت ملت را عوض می‌کند. «جز سلطنت خدایی همه سلطنت‌ها برخلاف مصلحت مردم و جور است و جز قانون خدایی همه قوانین باطل و بیهوده است» (خمینی، ۱۳۲۳: ۲۳۵). اگر شعر عاشورایی امروز می‌خواهد پرونده‌اش برای همیشه گشوده بماند باید همگام با تحولاتی که در جامعه ادب جهانی شکل می‌گیرد، حرکت کند و آرایه‌هایی را که با خصلت و خوی ایرانی سازگارتر و با طبیعت قشر درس خوانده هماهنگ‌تر باشد، شناسایی کرده و در به‌کارگیری آنها تردید روا نکند زیرا «معرفت، همچنان ابزار دستیابی به ذات قدسی است و معرفت قدسی، همچنان طریق برتر برای اتحاد با آن حق است که در آن معرفت، وجود و وجد اتحاد یافته‌اند» (نصر، ۱۳۸۱: ۳۵). برای شاعر عاشورایی چراغی پرفروغ‌تر از این فراز بصیرت‌بخش و معرفت‌آفرین زیارت اربعین نیست که «وَ بَدَلْ مُهَجَّتَهُ فَيَكُ لَيْسَتَنْقِدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ...؛ حسین علیه السلام خون قلبش را به آستان الهی هدیه داد تا بندگان را از ظلمات جهل و نادانی و حیرت گمراهی رهایی بخشد» (رضوان‌طلب، ۱۳۹۲: ۳۲۳). یقیناً اگر شاعر عاشورایی با آیات قرآن و به خصوص این فراز از زیارت اربعین زندگی کرده و جان و جهانش با معرفت قرآنی و حسینی عجین شده باشد، هرگز در اشعار خود راضی به بیان مطالب غیرمستند و آمیخته به خرافه و دادن نسبت الوهیت به حضرت نمی‌شود و مطالب غیرسودمند و وهن‌آلودی که هیچ‌گونه نسبت و قرابتی با فلسفه قیام اباعبدالله علیه السلام ندارد، بیان نمی‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ لَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛ هرگز خدا به شما امر نمی‌کند که فرشتگان و پیامبران را خدایان خود قرار دهید، چگونه ممکن است شما را به کفر بخواند پس از آنکه به خدای یگانه

اسلام آورده باشید؟» (آل عمران/۸۰). امیرالمومنین علیه السلام نیز در حدیثی می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ لَا تُسْمُونَا أَرْبَابًا...؛ جز این نیست که من یکی از بندگان خدایم؛ ما را ربّ ننماید...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۲۶).

با توجه به موارد گفته شده، شاعر عاشورایی باید با قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و سایر ادعیه انس بگیرد و با روایات و احادیث و مقاتل معتبری همچون لهوف و نفس المهموم آشنایی داشته باشد و نیز مطالعه کتاب‌های ارزنده‌ای همچون قیام حسینی و تحریفات عاشورا و اشراف به تاریخ اسلام یک ضرورت غیر قابل انکار برای وی است. شاعر عاشورایی باید مقاتل مختلف و شعر شاعران مذهبی را بخواند، با تاریخ اسلام آشنا باشد و صرفاً به نقل قول‌ها بسنده نکند زیرا «اسلام نه به عنوان فرهنگ و نه به عنوان سنت بلکه به عنوان اسلام عقیده معرفی می‌شود» (شریعتی، ۱۳۵۴: ۵). شاعری ممکن است واژه‌ای به کار برده اما اصل سخن و شعرش ربطی به شعر ایدئولوژیک نداشته باشد زیرا «وقتی از روش و واژگان مربوط به آن استفاده می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که سطح از روش سخن می‌گوییم» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۶۳). بنابراین شاعر عاشورایی علاوه بر این‌ها باید شناخت درستی هم از تاریخ ادبیات فارسی داشته باشد.

جرأت هیچ پلنگی نرسیده است که دست

به تن ماه شب چارده ما بزند!

از لبش علقمه‌ها آب بنوشند سپس

تشنگی طعنه به سیرابی لب‌ها بزند!

مشک، آهو شد و آهسته لب چشمه رسید

چشم صیاد به این صید مبادا بزند!

صید لب تشنه حرام است، مبادا تیری

آهوی تشنه لب قصه ما را بزند!

تیر از چله رها شد و چه پایان بدی!

تیر می‌رفت به اقبال خودش پا بزند!

(مهرابی، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

آسیب اشعار عاشورایی در شکل نوحه

در نوحه‌ها باید بار حماسی، عرفانی، معرفت و شناخت زیادتر شود. بهتر است نوحه‌ها با نوت چاپ و در اختیار مردم گذاشته شوند زیرا چاپ این اشعار بدون نت و آهنگ زیبا نیست و ممکن است بعضی از کلمات نامأنوس باشد، مانند کبوتری که یک بال آن شکسته شده است. همچنین استفاده از زبان محاوره و برخی اصطلاحات و کنایات روزمره باعث خطای نسل‌های بعدی می‌شود؛ یعنی افراط در استفاده از زبان کوچه و بازار، فخامت زبان شعر عاشورایی را می‌گیرد. از آنجا که هیچ‌گونه روحیه ستیزندگی و حماسه‌آوری در شاعران درجه دوم - که به شعر نوحه می‌پرداختند - باقی نمانده بود، این نوع شعر علاوه بر سستی زبان و لفظ، از نظر محتوا نیز به ضجه، مویه سوگواری بسنده کرده است. این مویه و استغاثه با مایه‌های فراوان در شعر نوحه، جایگزین شعر فخیم عاشورا شد که رد پای آن تا روزگار ما پیداست.

زمین کعبه هم، چون کربلا نیست	که او آغشته با خون خدا نیست
چه زیورها که زیب سینه توست	چه گوهرها که در گنجینه توست
یکی یاقوت خون حلق اصغر	یکی نافه ز مشکین موی اکبر
کنار بیهرق سبزی نگونسار	فتاده دست سردار علمدار
درخشند چون ثریا در دل شب	چو مروارید غلتان اشک زینب
فلک صد ماه و خورشید ار برآرد	چو تو منظومه شمسی ندارد
بگوای خاک با خورشید گردون	میا از حجله گاه شرق بیرون
که اینجا روی نی خواهد درخشید	سری روشن تر از صد ماه و خورشید
که یک نی آفتاب روز محشر	بلند است از زمین، الله اکبر
کنار آفتاب قلّه طور	سر ماه بنی هاشم دهد نور

(ریاضی یزدی، ۱۳۹۵: ۲۸)

استفاده از موسیقی نامناسب

نوحه و نوحه خوانی، هنری بسیار قدیمی است و با صوت‌های جلی و آوازهای خوش در قلب و روح مردم ماندگار شده است و به عنوان در برگیرنده گوشه‌های غنی موسیقی

ایران زمین، جایگاه ویژه‌ای دارد. اما نسلِ امروز دریغ‌مندانه از آن آوازه‌ها و نغمه‌های پرشور که مردم خوش ذوق و عاشق در رثای سالار شهیدان کربلا و یاران گرانقدرش سر داده‌اند، بی‌بهره‌اند. اشعار نوحه‌ها باید در راستای فلسفه عاشورا باشد و به تبیین صحیح قیام حسینی بپردازد. هر نوحه با توجه به شخصیت، شعر و پیام ممکن است در نغمات و دستگاه‌های متعددی قابل اجرا باشد ولی اصولاً ضبط و قواعد خاصی بر این امر حاکم است. برخی از نوحه‌سرایان حسینی، خصوصاً در دهه اخیر با استفاده از آهنگ ترانه‌های ناپسند، سعی وافر در ارائه قالب‌ها و آهنگ‌های جدید در حوزه نوحه‌های عاشورایی دارند. با ذهنیتی که از این قبیل آهنگ‌ها در مردم متدین و متعهد ما وجود دارد با عدم اقبال آنان روبه‌رو خواهد شد، هر چند جوانان و نوجوانان به خاطر شرایط سنی و رفتارهای عاطفی خود جذب این گونه نوحه‌ها می‌شوند.

این زمین با من خسته چرا یار نیست؟

هر طرف بنگرم جز غم و آزار نیست؟

کربلا نام آن دشت بلای من است

حاصلش جز غم و دیده خونبار نیست

عمه جان کجاست؟ این همه ماتم ز چیست؟

عمه جان کجاست؟ این تن بی سر ز کیست؟

عمه اینجا قتلگاست، دشت آزار و بلاست

جسم گلگون حسین پاره از تیغ جفاست

کی شود باورم عمه در این دشت خون

شود از اوج زین ساقی طفلان نگون

پیکرش غرق خون گردد و دستش جدا

عَلَم دین و قرآن بشود واژگون

گرچه لب تشنه ام آب و نخواهم از او

تشنه ام تشنه لحظه دیدار او

شد ز زین ساقی نگون، در میان خاک و خون

تشنه لب دستش جدا، پرچمش شد واژگون

نوحه یزد (صفری شاهی و ملجاء، ۱۳۹۲: ۳۰)

وجود مداحان و شاعران کم تخصص

«مداحی، ادامه راه ستایشگران برجسته اهل بیت در دوران اختناق اموی و عباسی است. قضیه، فقط قضیه شعرخوانی نیست، بلکه مساله، مساله پراکندن مدایح و فضایل و حقایق در قالبی است که برای همه شنوندگان، قابل فهم و درک بوده و در دل آنها دارای تاثیر باشد» (بیانات رهبری، ۶۸/۱۰/۲۸). در کار مداحی، چند چشمه هنری وجود دارد:



مداحانی که تخصص کافی در اشعار عاشورایی ندارند و صرفاً به منزله منبر رفتن و مزد گرفتن رو به این کار آورده‌اند، نوعی آسیب فرهنگی در حماسه حسینی هستند. «دین ایدئولوژی هست که تکیه اش بر سرشت روحانی انسان است» (قربانی، ۱۳۸۵: ۸۷). وجود شاعرانی که فقط طبع شعری دارند و از تاریخ اهل بیت دور هستند دومین عامل آفت فرهنگی در این خطه محسوب می‌شود. البته باید توجه داشت که «انسان در اجتماعات بزرگ تحت تاثیر واقع می‌شود و چه بسا از خود بی خود می‌شود و از یک شعار و فریادی تبعیت می‌کند» (خمینی، ۱۳۷۹: ۴۷). این شاعران می‌توانند با شرکت در کلاس‌های تخصصی تاریخ اسلام، شعر و ادبیات، سطح تفکرات و اندیشه‌های عاشورایی خود را ارتقاء دهند.

سینه زنی بدون فلسفه عاشورا

سینه زنی، یک نوع عزاداری و اظهار ارادت نسبت به خاندان عصمت و طهارت

است. «سینه زنی عزادارن حسینی، همان وسیله‌ای است که می‌تواند محبت و ولایت اهل بیت را از نسلی به نسل دیگر برساند» (بیانات رهبری، ۷۳/۰۵/۱۲). نبود تمرین‌های کافی در امر نوحه خوانی، شیوه پوشش، آرایش ظاهری سینه زن و دور بودن از رفتار و گفتارهای اهل بیت از جمله آسیب‌هایی است که در بُعد فرهنگی باید برای حسینی‌منشی شدن آن برنامه‌ریزی شود زیرا «دین نظم بخشیدن به شیوه‌ای مقدس است و مراد از مقدس در اینجا، ویژگی و کیفیت نوعی قدرت رازآلود و مهیب است» (ترنر، ۱۳۸۱: ۱۹).

وظایف در مقابل آسیب‌های عاشورا

مردم: صاحب مجالس و مستمعین تمایل به گرم بودن مجلس دارند و به اصطلاح مجلس باید کربلایی شود. رفع این تحریف‌ها این است که مردم باید روضه و شعر راست را بشنوند تا معارفشان و فکرشان افزایش یابد. مردم یک کانون مرکزی برای احترام و حرمت به اهل بیت بوده و هستند و باید خیلی با ظرافت به این امر واقف باشند زیرا «فلسفه اسلامی باید محور اصلی باشد و دیگر مکاتب باید در ارتباط با آن آموزش داده شود» (نصر، ۱۳۸۳: ۵۰). مردم باید از وارد کردن و پذیرفتن دروغ‌هایی که در دین وارد می‌شود جبهه‌گیری لازم را داشته باشند.

مسئولان هیأت: آنها می‌توانند در جهت‌دهی هیأت‌ها، شیوه برگزاری مجالس، مدت زمان مجلس، شروع و پایان مراسم عزاداری، کلام شعر و ملودی اشعار، دعوت از نوحه خوانان و سخنرانان و مداحان معتبر و... بیش از همه نقش ایفا نمایند. اعم وظایف این گروه عبارتند از: ۱. سوق دادن هیأت‌ها به سمت وظایف اساس، فهمیدن قضیه و پیام اصلی عاشورا و داشتن معرفت و هویت حسینی؛ ۲. نیازسنجی و انتخاب هدف متعالی جهت انجام برنامه‌ها با برنامه‌ریزی هوشمندانه، استفاده از خطبا و مداحان و اشعار نوحه جهت افزایش محبت به اهل بیت توأم با عقل و منطق، تلاش در جهت داخل کردن شعارهای امروز نظام در نوحه‌ها و سینه‌زنی‌ها و پرهیز از تعصبات قبیله‌ای و محلی.

خطبا و وعاظ: ۱. شناسایی تحریف‌ها و بدعت‌ها و مبارزه با آنها، شناخت نقاط

ضعف مردم و هوشیار کردن آنها؛ ۲. متقن و مستدل بودن متن سخنرانی و اشعار، داشتن مطالعه و دقت در محتوای روضه و خالی کردن پیرایه‌های دروغین از حادثه عاشورا.

مداحان و شعرا: مداحان و شاعران در این امر سهم بسزایی دارند و به نوعی چراغ این مجالس هستند. زیرا جوانان این کشور نگاهی مثبت به این قشر دارند پس باید از این فرصت طلایی استفاده بهینه کنند تا بتوانند مانع موثری بر سر راه انحرافات باشند. مهم‌ترین وظایف آنها عبارتند از: ۱. داشتن اخلاص عمل و خالی نبودن مداحی از معارف، نصاب اخلاقی، و دستورات عملی ائمه و بیان اهداف ائمه در خلال مداحی و معرفی الگوهای عملی؛ ۲. بیان داستان‌های واقعی تاریخی و بیان فلسفه قیام عاشورا در اشعار و مدایح خود، وارد کردن مفاهیم امروز نظام در شعرهای خود، استفاده از اشعار محکم، عالی، گویا با محتوای خوب، عدم استفاده از آهنگ و ملودی‌های لهو و لعب و استفاده از روش‌های عالی در به روز کردن روش‌های اجرا؛ ۳. داشتن صدای خوش برای مداحان، پرهیز از روضه‌های سخت و حرکت‌های نامشروع و احترام به پیشکسوتان این عرصه و بیان محتوای اشعار به دور از افراط و تفریط، عدم استفاده از ترکیبات ذلت‌آمیز؛ ۴. پرهیز از موسیقی و ملودی نامناسب و نداشتن نگاه کاسب‌کارانه.

ادارات: آسیب‌شناسی کلی در نگاه مردم و جامعه به مذهب حاکی از آن است که متأسفانه در سال‌های اخیر مذهب‌های جامعه به مذهب، نگاهی دور از جنبه‌های انقلابی‌گری و عدالت‌طلبی دارند و اغلب در ظواهر خلاصه می‌شود. به عبارتی جنبه‌های اخلاقی و تعهد اسلامی را فراموش کرده‌اند. دستگاه‌های فرهنگی در این موضوع تا حدودی مقصر هستند که تمرکز کامل خود را روی جلوه‌های ظاهری گذاشته‌اند و بخشی هم ناگریز است؛ به این معنا که وقتی جامعه به سمت مذهب‌ی شدن حرکت می‌کند، معمولاً افراد آسان‌طلب بخش‌های آسان را که در جلوه‌های ظاهری خلاصه می‌شود، انتخاب می‌کنند که هم خیلی زحمت نکشیده باشند و هم از امتیازهای مذهب‌ی بودن برخوردار باشند. برخی از راه‌حل‌های اساسی برای رفع آسیب‌های شعر عاشورایی به شرح ذیل است: ۱. خودسازی در همه بخش‌ها، مقاومت برای خدا و خوش‌بینی به آینده، هماهنگی نهادهای فرهنگ ساز، ابراز انزجار از

متخلفین؛ ۲. آگاهی نسبت به تبلیغات دشمن و تهیه کتاب و دیوان اشعار آیینی قوی و خوش مضمون و در اختیار قرار دادن آنها به مداحان؛ ۳. برگزاری مجالس در حد شأن و منزلت واقعه عاشورا، ایجاد بحث علمی درباره واقعه کربلا، استفاده از امکانات عصر جدید، ایجاد رشته تحصیلی «ادبیات آیینی» در مراکز آموزشی، نفوذپذیری اصحاب فرهنگ و جهت دار بودن اشعار و اثربخشی آن؛ ۴. ارتباط صحیح بین جامعه مداحان و شعرای آیینی، دوری از مطالب کم محتوا و ظاهر عشق و عاشقی، عدم استفاده از الفاظ کم محتوا در اشعار، استفاده از مفاهیم باارزش و شایسته در اشعار و خواندن مصیبت صحیح و مستند با ادبیات آیینی درست؛ ۵. انتخاب شعر متناسب با موضوع و مصیبت، استفاده از شعرهای اخلاقی و دارای مبانی معرفتی، استفاده از ابتکار درونی و عدم تقلید از آهنگ های خارجی و همراهی مضامین با تفکر، تعمق، معرفت و عاطفه؛ ۶. صدور قطع نامه مخصوص عزاداری ها، برنامه ریزی، الگوسازی و مدل سازی صحیح و به دور از تعصبات نهادها و ادارات مربوط و فرهنگ سازی و تغذیه مداحان به وسیله شعرای آیینی با اشعار مستند و تاریخی؛ ۷. افزایش عاطفه و احساس در مجالس عزاداری، افزایش دید روشن و واضح به مستمع از این مجالس و اشعار آیینی و نوحه ها و ایجاد معرفت عمقی نسبت به اهل بیت و مفاهیم اساسی دین به واسطه این اشعار و مجالس؛ ۸. افزایش تقرّب مردم به خدا و دین با سرودن این اشعار، تبیین و توضیح اهداف حرکت امام حسین علیه السلام و شناخت عناصر هویت حسینی، اهمیت دادن به نماز در میان مراسم سینه زنی و عزاداری و آمیزش حادثه خالص شده، دقیق و متقن به انواع بیان های هنری از شعر، نثر و سبک روضه خوانی؛ ۹. اجرای درست شیوه مقتل خوانی و شرح حال مصائب، آموزش مداحی صحیح و متناسب با آموزه های شیعه، کامل کردن چهار پایه اصلی مداحی یعنی: «صوت خوش»، «آهنگ مناسب»، «لفظ و شعر خوب»، «مضمون متناسب»؛ ۱۰. پخش عزاداری های متناسب با آیین شیعه و مستند با تاریخ اسلام در صدا و سیما، توجه مداوم در بیان و نقد آسیب ها، مقابله آرام و تدریجی به شیوه فقهی و فرهنگ سازی در این امر و از بین بردن ناهنجارها و ضد ارزش ها؛ ۱۱. خودداری کردن از افراط و تفریط در عرصه انتقاد، آموزش مداحی و سر و سامان دادن آن

در کشور و شناخت تاریخ، شعر و سبک جدید به مداحان؛ ۱۲. شناسایی مداحان شایسته و تشویق آنها در رسانه‌ها، انتخاب یک نماینده از دفتر رهبری جهت نظارت و مدوّن کردن آیین‌نامه‌ای جامع.

نتیجه

شعر عاشورا، نشانگر حقیقت رابطه شعر عاشورایی با فطرت تکامل‌خواه انسان‌هاست به همین جهت شعرهای عاشورایی باید جهت‌دار باشند؛ به عبارتی شور حسینی و گریه بر امام علیه السلام و اهل بیتش در راستا و هدف قیام امام معنا پیدا می‌کند. مسأله دیگر با توجه به اینکه مخاطب آخر این قصه پرغصه را می‌داند، شاعران عاشورایی تا حد امکان باید با جاذبه‌های جدید این خلأ را پر کنند تا فلسفه عاشورا را در شعرشان و در جامعه به طور عملی پیاده کنند. ورود حماسه کربلا به حیطه شعر، یقیناً یکی از عوامل ماندگاری و پایایی نهضت عاشوراست چرا که حضور پررنگ شعر در روایت ماجرا و قالب نافذ مرثیه در سوگداشت ماجرا از سویی پیونددهنده میان عواطف و دل‌های سوخته و حقیقت ماجرای عاشوراست و از سوی دیگر به نوبه خود باعث غنا و اعتلای اشعار و مرثی است. اشعار عاشورایی باید فضای تعلیمی و اخلاقی را در درون خود جای دهند و پیام‌های اخلاقی را به دو شیوه داستانی و بیان مستقیم تبیین کنند چرا که یکی از رازهای ماندگاری این نوع اشعار پند و اندرزهای انسانی است و نه شخصی. جامعیت و شمول آن از زمان و مکان خاص فراتر است و همه آفاق را دربرمی‌گیرد. بنابراین همه مردم و به ویژه شاعران عاشورایی باید در این راستا قدم بردارند و در رفع آسیب‌های این دسته اشعار نهایت تلاش را داشته باشند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۸۴)، آیین عزاداری، تهران، نمایندگی ولی فقیه.
- ابویی، حسن (۱۳۹۳)، سرشک سعید، یزد، آرتاکاوا.
- باغ ارغوان «عاشورا در شعر امروز یزد» (۱۳۸۴)، حوزه هنری یزد، تهران: سوره مهر.

- ترنر، برایان (۱۳۸۱)، دین چیست، ترجمه بهرام پور، تهران، کویر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، اسراء.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم سیاسی، چاپ دوم، قم، دانشگاه مفید.
- خاتمی، سیداحمد (۱۳۸۵)، چکامه‌هایی در شیوه‌های عزاداری، تهران، سوره مهر.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۲۳)، کشف‌الاسرار، قم، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۹)، صحیفه‌نور، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رضوان‌طلب، محمدرضا (۱۳۹۲)، نورالصالحین، قم، آیین دانش.
- ریاضی‌یزدی، محمدعلی (۱۳۹۵)، دیوان، تصحیح محمود رستگار، یزد، آرتاکاوا.
- سازگار، غلامرضا (۱۳۸۵)، نخل میثم، قم، حق‌بین.
- سیدبن‌طاووس (۱۳۸۵)، اللهوف‌علی‌قتلی‌الطفوف یا آهی‌سوزان‌برمزارشهادان، ترجمه سیداحمد فهری زنجانی، تهران، جهان.
- شریعتی، علی (۱۳۵۱)، اسلام‌شناسی، تهران، قلم.
- _____ (۱۳۵۴)، جهان‌بینی و ایدئولوژی، تهران، قلم.
- _____ (۱۳۸۱)، تشیع علوی و تشیع صفوی، چاپ چهارم، تهران، چاپخش.
- صادقی، مهدی (۱۳۹۹)، «تحلیل محتوایی و زیبایی‌شناسی اشعار عاشورایی شهر یزد در دوره پس از انقلاب»، پایان‌نامه دکتری، استاد راهنما: محمود صادق‌زاده، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
- صادقی، مهدی، محمود صادق‌زاده و عزیزالله توکلی (۱۳۹۹)، «زیبایی آواز و دستگاه موسیقی در اشعار عاشورایی یزد در قالب نوحه»، مجله فنون ادبی، شماره ۴ (پیاپی ۳۳)، ص ۱۳۳-۱۵۲.
- صادقی، مهدی، محمود صادق‌زاده و عزیزالله توکلی (۱۴۰۰)، «مضامین تعلیمی در اشعار عاشورایی یزد»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ص ۱۶۵-۱۹۴.
- صحتی سردودی، محمد (۱۳۹۴)، تحریف‌شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین علیه السلام، تهران،

بین‌الملل.

- صفیری شاهی، مهتاب و فاطمه‌السادات ملجاء (۱۳۹۲)، «نغمه‌های گمشده در فرهنگ مردم یزد»، دبیرخانه جشنواره جوان خوارزمی، ص ۱-۱۰۱.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۵)، «درآمدی بر فلسفه دین از دیدگاه شهید مطهری»، مجله تخصصی کلام، سال ۱۷، شماره ۶۵.
- قیصری، علی (۱۳۸۳)، روشنفکران ایرانی در قرن بیستم، ترجمه محمد دهقانی، تهران، هرمس.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۶)، شرح منظومه ظهر، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۵)، آبشارهای عاشورایی، قم، موج قلم.
- مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹)، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، قم، سپاه.
- _____ (۱۳۷۹)، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، قم، مرکز تحقیقاتی سپاه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، الوفا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، حماسه حسینی، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۷۸). مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا.
- مهربانی، عالیه (۱۳۹۵)، واژه را به اوج می‌برم «اشعار شاعران جوان یزد»، یزد، کتاب‌آرای پیشگام.
- نجفی، مهدی، اسحاق طغیانی و محبوبه خراسانی (۱۳۹۹)، «هماهنگی وزن و محتوا در نوحه‌ها و مرثیه‌های یغمای جندقی»، فصلنامه شعر پژوهشی بوستان ادب، دانشگاه شیراز، سال ۱۲، شماره اول (پیاپی ۴۳)، ص ۲۳۴-۲۶۱.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۳)، معرفت و معنویت، ترجمه انشالله رحمتی، چاپ دوم، تهران، سهروردی.
- نوری، محدث (۱۳۷۵)، لؤلؤ و مرجان در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- الهام‌بخش، سید محمود و دیگران (۱۳۷۹)، حرف‌های ماندگار، یزد، اداره آموزش و پرورش.

- همیلتون، ملکم (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، تبیان.

- بیانات رهبر معظم در دیدار با مداحان ۶۸/۱۰/۲۸

- بیانات رهبر معظم در دیدار با مداحان ۷۳/۰۵/۱۲

